نگارش «شین بی‌شین» به پایان رسید فرهنگ: محمدکاظم مزینانی از پایان نگارش رمان تازه‌اش خبر داد و گفت: عنوان این کتاب «شین بی‌شین» است و آن را به تازگی تحویل مرکز آفرینش‌های ادبی داده‌ام. مزینانی اظهار کرد: عنوان این کتاب را «شین بی‌شین» گذاشته‌ام، به این‌دلیل که می خواستم هیچ وپوچ بودن را در این عنوان بگنجانم. داستان کتاب تجربه زندگی خودم و دخترم است و برای نگارش آن از مستندات تاریخی استفاده نکرده‌ام.

بازی در زمین شعر

مثل حمید حمیدی نباشید!

فرهنگ/ لیلا کردبچه | در اینکه پای ما ایرانی‌ها به هر فضای مجازی که می‌رسد، کاربری آن را یکسره تغییر داده و از آن به‌گونه‌ای استفاده می‌کنیم که گاهی حتی عقل مؤسسان آن فضا که هیچ، عقل جن هم به آن نمی‌رسد، شکی نیست.

مثلاً خیلی طبیعی است که از فضاهایی چون وبلاگ و فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و... به‌جای ثبت و انعکاس برخی لحظات زندگی به‌روایت تصویر یا کلام، برای معرفی و تبلیغ فلان کافه و یا فلان برند پوشاک کودکان و... استفاده کنیم، و باز خیلی طبیعی است که مثلاً هنرمندانمان از این فضاها برای گزارش لحظه‌به‌لحظه فعالیت‌های هنری و جلساتشان استفاده کنند.

اما چیزی‌که در این میان عجیب است، تبلیغات برخی تولیدات فرهنگی است که با آن‌ها به‌مثابه کالایی اقتصادی برخورد می‌شود و گاهی این تبلیغات با مضحک‌ترین شیوه‌های ممکن صورت می‌گیرد.

در اینکه برخورد با شعر، به‌عنوان کالایی اقتصادی اساساً اشتباه است، شک نداریم، اما بررسی شیوه‌های تبلیغ همین کالای به‌زعم برخی اقتصادی در فضای مجازی نیز خالی از لطف نیست.

اساساً تبلیغ شعر در فضای مجازی به دو شیوه عمده آشکار و پنهان صورت می‌گیرد. در شیوه آشکار، صاحب اثر، ناشر اثر، دوستان صاحب اثر، و برخی مخاطبان اثر به معرفی اثر (اشعار) مذکور می‌پردازند که درصورت افراط در معرفی، رنگ‌وبوی تبلیغ به خود می‌گیرد. اما در شیوه پنهان، از آنجایی‌که معرفی‌کننده یا تبلیغ‌کننده اثر، شخصی حقیقی و با نام حقیقی نیست، افراط بیشتری در معرفی و تبلیغات به چشم می‌خورد.

در حال‌حاضر شناخته‌شده‌ترین شیوه پنهان تبلیغات شعر در فضای مجازی، ساخت صفحات مختص شعر است؛ به این شکل که صفحه‌ای برای درج اشعار زیبا می‌سازند، اما در آن عملاً به تبلیغ یک یا چند شاعر خاص می‌پردازند.

بررسی چندساعته فضاهای مجازی، از رشد روزافزون این‌قبیل صفحات و گروه‌ها، کانال‌ها و... که اغلب توسط خود شاعران، اما با نام‌هایی مستعار ایجاد شده‌اند، خبر می‌دهد که مخاطبان را با خیل عظیم نام‌هایی چون شعر ناب، شعر امروز، عطر شعر، بوی شعر، شعر مدرن، شعروگرافی، کافه شعر، چند جرعه شعر و... مواجه می‌سازد. اما دقت و تأمل در اشعار انتخابی در صفحات مذکور، به‌راحتی و به‌سرعت می‌تواند مخاطب را درصورتی‌که آشنایی مختصری با شعر امروز داشته باشد، به نتایج جالبی برساند.

فرض کنید شاعری با نام فرضیِ «حمیدحمیدی» صفحه‌ای یا کانالی با عنوان «بهترین‌شعرها» بسازد. در این‌صورت ترتیب احتمالیِ شعرهای مندرج در صفحه چنین خواهد بود: مهدی اخوان‌ثالث، فروغ فرخزاد، شفیعی‌کدکنی، شهریار، حمید حمیدی، هوشنگ ابتهاج-ـ یدالله‌رؤیایی، فریدون مشیری، احمد شاملو، حمید حمیدی، سهراب سپهری، منوچهرآتشی، سیمین‌بهبهانی، شمس‌لنگرودی، حمید حمیدی، حافظ موسوی، نادر نادرپور، نیمایوشیج، حسین منزوی،حمید حمیدی، حمید مصدق، محمدعلی بهمنی، سیدعلی صالحی، قیصر امین‌پور، حمید حمیدی و...

نکتهٔ جالب‌توجه دیگری که در بررسی این‌قبیل صفحات خود را نشان می‌دهد این است که در صفحات مذکور اثری از شعر رقیبان و دشمنان حمید حمیدی‌ها، و حتی فراتر از آن، در اغلب موارد نشانی از شعر هیچ شاعر جوان و حتی زنده دیگری در این صفحات نمی‌بینید!

با علی قانع به انگیزه انتشار «سایه‌های سکوت»

داستان اجتماعی نوشته‌ام نه جنایی

فرهنگ/ خدیجه زمانیان | علی قانع پس از نوشتن چند مجموعه داستان و ترجمه چند اثر، امسال اولین رمانش را در نمایشگاه‌کتاب تهران عرضه کرد. «سایه‌های سکوت» عنوان اولین رمان این نویسنده و مترجم است که توسط نشر آموت در نمایشگاه کتاب عرضه شد.

به‌گفته قانع، «سایه‌های سکوت» حاصل تجربه سال‌های اخیر او در مسیر ادبیات و ترجمه است. از علی قانع پیش از این مجموعه داستان‌های «وسوسه‌های اردیبهشت»، «مورچه‌هایی‌که پدرم را خوردند» و «راهپیمایی روی ماه» و همچنین ترجمه آثار «اتاق»، «همسر ببر»، «باغ‌های توکیو» و «آدمکش‌ها» منتشر شده بود.

گفت‌وگوی ما را با این نویسنده و مترجم به انگیزه انتشار رمانش بخوانید.

نویسنده‌ای که با داستان‌های کوتاه و ترجمه هایش شناخته می‌شد، امروز نخستین رمانش را به مخاطبان ارایه کرده است
عکس: سایت انتشارات آموت

◆ چه‌تفاوتی بین نوشتن مجموعه داستان و رمان وجود دارد؟ و چه شد که بعد از نوشتن چند مجموعه داستان به نوشتن رمان روی آوردید؟

ـ راستش فکر می‌کنم هرکدام دنیای خود را دارند و جذابیت‌های خودشان را، اما شاید هرکسی‌که می‌نویسد از داستان کوتاه شروع کرده باشد؛ قصه‌هایی‌که در ذهن شکل می‌گیرند و کم‌کم رشد می‌کنند و بارور می‌شوند. داستان کوتاه معمولاً برشی از یک زندگی، یک تصویر و یک اتفاق است و حجم نسبتاً محدودی دارد. نمی‌توان به درون، گذشته و آینده شخصیت‌ها ورود کرد و اگر هم چنین‌کاری بکنی باید سریع فضا را جمع‌وجور کنی و داستان را به آخر برسانی، انگار یک مداد برداشته‌ای و دایره‌ای برای خودت و داستان کشیده‌ای که نباید بیش از آن فراتر بروی. اما رمان همیشه فرصتی به نویسنده می‌دهد که با کارش مهرورزی بیشتری داشته باشد، عاشقیتی‌که با داستان دارد را ورز بدهد و لذت ببرد و همان لذت را به خواننده‌اش منتقل کند. به هرحال داستان کوتاه و رمان هرکدام خواننده خودشان را دارند. من هم بعد از چند مجموعه داستان، دوست داشتم در یک داستان واحد، مدت‌زمان بیشتری را با خواننده‌ام باشم و لذت داستانم را با او به اشتراک بگذارم.

بـــرش

به‌قول دکتر ظریف که می‌گوید هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید، به شما توصیه می‌کنم هرگز به نویسنده‌ای نگویید که بهتر بود این را می‌نوشتید یا نمی‌نوشتید. من هیچ‌کدام از بندها و پاراگراف‌ها را اتفاقی وارد داستانم نکرده‌ام، هرکدام هفته‌ها و ماه‌ها زمان بردند تا آماده قدم‌گذاشتن به دنیای ما شدند

◆ چه شد که به فکر نوشتن رمانی با موضوع جنایی افتادید؟

ـ من قبول ندارم که داستان جنایی نوشته‌ام، نه اینکه نوشتن این نوع رمان موضوع بدی باشد، اما ژانر جنایی در عین دشواربودن و پیچیدگی‌هایی‌که دارد، انتخاب من نبوده است. اما این موضوع را برای لایه‌های روی رمانم انتخاب کرده‌ام و هدفم نگاهی روانشناسانه به این معضل اجتماعی است که اگرچه تلخ است، اما نمی‌توان آن را انکار کرد. در این رمان سعی شده تک‌تک شخصیت‌ها واکاوی شوند، علت و معلول‌ها با نگاهی دقیق بازخوانی شوند، و به جزئیات هرچند تلخ و ناگوارش پرداخته شود. به‌علاوه سعی شده در طول داستان سؤال‌هایی پیش روی خواننده قرار بگیرد و درصورت امکان همان‌جا و در فصل‌های بعد یا قبل به جواب‌هایش برسد. نوشتن این رمان که دو سه سال طول کشید، زمینه‌های مطالعاتی بسیاری را طلب می‌کرد. کتاب‌های زیادی مطالعه کردم و با آدم‌های زیادی صحبت کردم و از تجربیاتشان استفاده کردم. این رمان چندین‌بار بازنویسی شد و هربار صیقل بیشتری پیدا کرد، تا اینکه به جایی رسید که باید منتشر می‌شد.

◆ معمولاً رمان‌هایی با موضوع‌های اجتماعی در کشور ما چندان منتشر نشده است، برای انتشار رمان با مشکل مواجه نشدید؟

ـ خب همیشه باید از یک‌جایی شروع شود. اما وقتی مشکلی هست چرا نوشته نشود؟ هرچیزی ممکن است زمانی تابو باشد، اما گاهی این تابوها خودبه‌خود رو می‌آیند و می‌شوند داستان روز. در مورد منتشرشدن کتاب هم چندین مورد ایراد ممیزی داشت که به‌ناچار حذف و اصلاحاتی صورت گرفت.

◆ در داستان رمان «سایه‌های سکوت» دریچه امیدی دیده نمی‌شود. مخاطب با انبوهی از راه‌های رفته شخصیت داستان و درِ بسته برخورد می‌کند که حس بدی به او دست می‌دهد.

ـ من با این نوع نگاه شما زیاد موافق نیستم که در داستان این رمان، امید گم است. زشتی و زیبایی درکنارهم خودشان را نشان می‌دهند. سیاهی و سفیدی، تلخی و شیرینی و از این دست مسایل که در مقابله با همدیگر معنا پیدا می‌کنند و خودی نشان می‌دهند. تلخی داستان را قبول می‌کنم، ولی ایمان دارم که اگر کسی دنبال امید و خوشبختی باشد، می‌تواند بعد از خواندن کتاب راهکارهایی برای خودش بیرون بکشد و ادامه زندگی را با آن بسازد. فکر می‌کنم هیچ معضلی در زندگی ما جاده یکطرفه نیست و اگر کسی مسیری را برود، به‌راحتی و یا با تحمل قدری سختی می‌تواند راه بازگشت را بیابد و از جاده مخالفش برگردد.

◆ به‌عنوان یک مخاطب به‌نظرم بهتر بود قسمت‌های بریده جراید حذف شود. چرا اصرار داشتید مخاطب حتماً اطلاعات کاملی (از طریق کتاب شما) راجع به موضوع داشته باشد؟

ـ به قول دکتر ظریف که می‌گوید هرگز یک ایرانی را تهدید نکنید، به شما توصیه می‌کنم هرگز به نویسنده‌ای نگویید که بهتر بود این را می‌نوشتید یا نمی‌نوشتید. من هیچ‌کدام از بندها و پاراگراف‌ها را اتفاقی وارد داستانم نکرده‌ام، هرکدام هفته‌ها و ماه‌ها زمان بردند تا آماده قدم‌گذاشتن به دنیای ما شدند. نمی‌خواهم توضیح بدهم که چرا بریده روزنامه را وارد داستان کردم، چون اعتقاد دارم نویسنده حرفش را زده و حالا مخاطب است که باید با متن ارتباط برقرار کند و اگر این‌طور نشود، یک‌جای کار می‌لنگد و ضعف نویسنده است. اما با قدرت دربرابر آنچه نوشته‌ام و مدارکی که به عمد وارد داستان کرده‌ام، ایستاده‌ام و حمایتشان می‌کنم و فوق‌العاده دوستشان دارم.

ادبیات

شاعران چگونه به رمضان پرداخته‌اند؟

ایسنا: محمود حبیبی‌کسبی درباره بازتاب ماه رمضان در شعر فارسی گفت: رمضان در شعر فارسی مانند دیگر موضوعات مذهبی و دینی در تاریخ ادبیات فارسی حضور دارد و شاعران بزرگی از سپیده‌دم ادبیات فارسی به جنبه‌های مختلف ماه رمضان پرداخته‌اند. مدیر انجمن شعر آیینی حوزه هنری با تأکید بر متفاوت‌بودن قالب‌های مورد استفاده رمضانیه‌ها بیان کرد: آمدن و رفتن ماه مبارک رمضان، روزه‌داری، تقوا، پرهیزگاری و بیش از همه این‌ها اینکه رمضان ماه تزکیه نفس و دوری از گناه، پلشتی و... است، مورد بررسی قرارگرفته است.

فرهنگ عمومی

باید فرهنگ را به خانواده‌ها منتقل کنیم

ایسنا: وزیر خانواده واتیکان در بازدید از کتابخانه ملی ایران گفت: برای اینکه بتوانیم برای ارزش‌های افراد در خانواده‌ها کار کنیم، لازم است فرهنگ را به خانواده‌ها منتقل کنیم. وی با تأکید بر اینکه به‌زودی کتاب‌هایی که در واتیکان درخصوص خانواده نوشته شده را به کتابخانه ملی ایران اهدا خواهد کرد، گفت: در واتیکان موضوع مهمی است که دوست داریم هرچه سریع‌تر روی آن کار و پژوهش شود.

اگر ما خانواده را به‌عنوان یک مدل قرار دهیم، می‌توانیم در بحث‌های جامعه و فرهنگ پیشرفت آن را شاهد باشیم.

کتاب

کتاب بعدی محمدرضا شمس درباره خون‌آشام‌هاست

ایسنا: محمدرضا شمس از عزم خود برای نوشتن «قصه‌های ترسناک» ویژه کودکان خبر داد.

این نویسنده بنا دارد «قصه‌های ترسناک» را به‌مدد موجوداتی خیالی مثل هیولاها، خون‌آشام‌ها و... با زبان طنز ویژه کودکان بنویسد. تاکنون قریب به ۱۰ داستان از این مجموعه نوشته شده و شمس همچنان برای تکمیل این اثر دست‌به‌قلم است. او همچنین گفت در فاصله کمتر از شش‌ماه مجموعه‌ای از آثارش توسط نشر هوپا تجدید چاپ شده است. «قصه‌های الفبا»، رمان «عمه گیلاس» و مجموعه «اسکلت بخشنده» این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

دانشگاه

آیین‌نامه پردیس‌های خودگردان نهایی نشده است

مهر: معاون آموزشی وزارت‌علوم گفت: فعالیت برروی بازنگری آیین‌نامه پردیس‌های خودگردان دانشگاه‌ها در این وزارتخانه وجود دارد و هنوز این بازنگری به مرحله نهایی نرسیده است.

مجتبی شریعتی نیاسر گفت: بازنگری این آیین‌نامه در دست بررسی در وزارت‌علوم قرار دارد، اما نمی توان برای یک فعالیت کارشناسی زمان تعیین کرد و گفت چه زمانی به اتمام می‌رسد. معاون آموزشی وزارت‌علوم خاطرنشان کرد: در این وزارتخانه فعالیت‌های زیادی برای بازنگری آیین‌نامه پردیس‌های خودگردان دانشگاه‌ها صورت گرفته است.

خوانش

حمیدرضاشکارسری

مناظر مختلف یک‌شعر

خوانش شعری از آیدا عمیدی

«در من صحراهای زیادی است/ صحراهایی همه صحرای محشر/ هرروز سر بریده‌ای به دامنم می‌افتد/ من لالم/ و کلماتی‌که از گلوهای بریده می‌چکد/ زبان مرا باز نمی‌کنند»*

کارکرد کلمه در شعر، هم از نظر معنایی و هم از نظر فیریکی (به‌عنوان دل) آن را به منشوری بدل می‌کند که از جهات مختلف مناظر گوناگونی را به نمایش می‌گذارد؛ مناظری‌که به‌طورکلی به دو نوع تقسیم می‌شوند:

منظر معنایی

منظر تصویری

در شعر «آیدا عمیدی» منظر معنایی شعر، هراس و دلشوره و استیصال است. منظری‌که چون هر شعر خوب دیگر در غیاب معنا شکل می‌گیرد و درواقع حسی است که شعر به مخاطب القا می‌کند. درواقع این خواننده است که منظر معنایی شعر را ترسیم می‌کند؛ منظری‌که شاید با منظر خواننده دیگر متفاوت باشد.

منظر تصویری اما در شعر «عمیدی» همان مضمون شعر اوست که فضا را برای معنایابی خواننده فراهم می‌کند. آیا در فضای صحرای محشر جز ترس و دلشوره و ناتوانی چه حس دیگری را می‌توان سراغ گرفت؟ در آن غوغا، سر بریده‌ای بر دامنت بیفتد و نتوانی فریاد بزنی، و کلماتی سرخ از گلوهای بریده بریزد و زبانت باز نشود، عجز از این هولناک‌تر؟

و وقتی این‌همه در درون راوی اتفاق می‌افتد، او در چه حالی است؟ آیا راوی شعر «عمیدی» در آستانه جنون و انفجار نیست؟ مناظر معنایی و تصویری این شعر کوتاه چنان درهم تنیده‌اند که قابل‌تفکیک نیستند. به‌عبارت دیگر همراهی فرم و محتوا از این متن، شعری جاندار و ساختمند آفریده است.

نگارنده در خوانشی مؤلفانه و خلاق، سطر چهارم (من لالم) را حذف می‌کند تا ضمن ایجازی بیشتر، وجه اجرایی دو سطر آخر شعر پررنگ‌تر گردد.

*کتاب هفته خبر/ شماره ۷۹ (۱۶ آبان ۱۳۹۴)/ صفحه ۱۰۲.

و در این نزدیکی

سارا جلوداریان

امان از اینهمه دوری ...

برای شهدای حرم

در این حماسه مکتوب، وارث قلمی تو
برای شرح تب و تاب، وقت مغتنمی تو
شناسنامه‌ات ای گل، شده‌ست غرق گلایل
ترانه‌خوان شده بلبل، نسیم صبحدمی تو
چنان بزرگی و جاوید، که همچو مجمر خورشید
شود ز نور لبالب، ز هرکجا بدمی تو
در این زمانه فانی، چه جای مرثیه خوانی ؟
که بر کتیبه تاریخ، شعر محتشمی تو
در این جهان خیالی، اگر سبو شده خالی
چه جای حزن که آیینه‌دار جام جمی تو
اگر به حربه دشمن، سرت جدا شده از تن
چه جای اشک که در جمع قدسیان، صنمی تو
اگر دو دست علمدار، سهم تیغ جفا شد
چه جای ترس که امروز حافظ عَلَمی تو
قسم به پیکر پاکت، قسم به سینه چاکت
همیشه در نظر عرش و فرش، محترمی تو
غلام تربت عشقی، مرید خاک دمشقی
مقیم کوی بهشتی، مدافع حرمی تو
به پای غیرت و اسلام، نقد جان هبه کردی
ولی نخواستی از کیسه ریا، درمی تو
به مادرت چه بگویم؟ که بسته راه گلویم
دلم خوش است فقط با حسین(ع) همقدمی تو
نشسته‌ام به صبوری، امان از اینهمه دوری ...
کویر تشنه لبم من، فراتِ لاجرمی تو
تمام عمر دویدم، به وصَف تو نرسیدم
نه شادمانی دایم، نه یادگار غمی تو
رسوب شد کلماتم، به خون تپید دواتم
شهید راه ولایت، بدون بیش و کمی تو
به حقّ یوسف زهرا (س)، به حقّ زینب کبری (س)
بخواه حاجت ما را، که صاحب کَرَمی تو

دیدگاه

یک نویسنده پاسخ داد

چرا مخاطب ایرانی از خواندن آثار بومی استقبال نمی‌کند؟

فرهنگ/ خدیجه زمانیان | یک نویسنده در پاسخ به این سؤال که چرا برخلاف گفته صاحبنظران که هرچه داستانی رنگ‌وبوی بومی‌داشته باشد به جهانی‌شدن نزدیکتر است، در کشور ما مخاطب از خواندن آثار بومی هراس دارد، می‌گوید: اصولاً ما خیلی چیزهایمان با معیارهای جهانی متفاوت و حتی متناقض است که این مساله هم یکی از آن‌هاست.

لیلا صبوحی‌خامنه در ادامه با اشاره به اینکه اما من گمان نمی‌کنم این گفته خیلی فراگیر باشد، توضیح داد: اتفاقاً خیلی از داستان‌هایی‌که توانسته‌اند در این حدود صدسال در ادبیات ما ماندگار شوند، رنگ‌وبوی بومی داشته‌اند. از کلیدر و جای خالی سلوچ گرفته تا آثار رضا براهنی و غلامحسین ساعدی و نویسندگان جنوب مثل منیرو روانی‌پور و شیرازی‌نویس‌هایی مثل دانشور و چوبک. اگرچه در سال‌های اخیر وضعیت کمی فرق کرده و نویسندگان تمایل کمتری به پرداختن به مسایل بومی دارند.

نویسنده رمان «پاییز از پاهایم بالا می‌رود» از بین رفتن «بوم» و «اقلیم» را یکی از دلایل این مساله عنوان می‌کند و می‌گوید: مناطق مختلف از لحاظ فرهنگ و زبان با سرعت خیره‌کننده‌ای به‌سمت ایجاد یک زبان و فرهنگ معیار می‌روند. بنابراین پرداختن به ویژگی‌های بومی یک‌معنای ضمنی در خود مستتر می‌کند و آن هم این است که: «این داستان در گذشته نسبتاً دورتری اتفاق افتاده» و خوانندگان و نویسندگان از این مسأله دوری می‌کنند نه از بومی‌نویسی.

آگهی

شماره دادنامه:۹۵۰۹۹۷۲۵۱۰۶۰۰۲۴۳تاریخ تنظیم:۱۳۹۵/۰۳/۱۸
شماره پرونده:۹۴۰۹۹۸۲۵۰۵۴۰۰۳۱۱شماره بایگانی شعبه:۹۴۱۴۶۲دادنامه پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۵۰۵۴۰۰۳۱۱شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی دادگاه های کیفری شهرستان قم (۱۰۶ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۵۱۶۰۰۲۴۳شکات:۱.آقای سیدجواد فاطمی پیکانی فرزند سیدجلال به نشانی شهرستان قم ۱۵خرداد دروازه ری ک۱۵پ۴۴، ۲. آقای حسین شاهواروقی فرزند ابوالحسن به نشانی شهریتان قم-نیروگاه۲۰۰متری مالک اشتر۱۲متری انصارالمهدی (عج) پلاک۱۶۳متهم:آقای مهدی زلفی نژاد فرزند نصرت اله به نشانی تهران-تهران-مرکزی-تهران شهر قدس خ گودرزی جنوبی پ۱۸۳اتهام:ایراد صدمه بدنی غیر عمدی بر اثر تصادف رانندگی رأی دادگاه در این پرونده آقای مهدی زلفی نژاد فرزند نصرت ا... متواری متهم است به ایراد صدمه بدنی غیر عمدی به مصدوم در امر رانندگی موضوع کیفرخواست صادره از دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان قم و اظهارات شاکی و عدم حضور متهم جهت دفاع از بزه انتسابی و محتویات پرونده دادگاه بزه منتسبه را محرز دانسته متهم مذکور را مستنداً به ماده۷۰۹و ۴۴۹ ،۴۴۸ ،۷۱۴ ،۷۱۷ و ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی به پرداخت یک درصد دیه کامل بابت سائیدگی حارصه فوقانی ساق چپ(دوعدد) و یک و نیم درصد دیه کامل بابت حارصه تحتانی ساق چپ و نیم درصد دیه کامل بابت حارصه زانوی چپ و یک درصد دیه کامل بابت حارصه راست صورت و یک درصد دیه کامل بابت حارصه فرق سر و یک درصد دیه کامل بابت دامیه زانوی راست و یک و نیم درصد دیه کامل بابت قوزک خارجی مچ پای راست و نیم درصد دیه کامل بابت حارصه پشت پای راست و یکصدم از بیستم دیه کامل بابت حارصه بند اول انگشت شست پای راست و نیم درصد دیه کامل بابت حارصه کف پای چپ و سه هزارم دیه کامل بابت کبودی اطراف چشم راست و چهار پنجم از یک پنجم از یک بیستم دیه کامل بابت شکستگی بند دوم انگشت شست پای راست و سه درصد ارش دیه کامل بابت شکستگی استخوان کف دستی پنجم دست راست و یک درصد ارش دیه کامل بابت آسیب نسج نرم دست راست ناشی از عمل جراحی در حق مصدوم آقای سیدجواد فاطمی پیکانی محکوم در مهلت قانونی دو سال از تاریخ صدمه پرداخت شود از حیث جنبه عمومی دادگاه متهم را به پرداخت سیصد هزار تومان جزای نقدی به صندوق دولت محکوم می نماید. رأی صادره غیابی است پس از ابلاغ ظرف بیست روز قابل واخواهی در این دادگاه و بعد مدت بیست روز قابل اعتراض در مرجع محترم تجدیدنظر استان قم می باشد. رئیس شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو قم-ولی زاده رونوشت برابر با اصل و اداریست جهت ابلاغ از طریق نشر در روزنامه کثیرالانتشار تهیه و ارسال می گردد.۹۵۰۶۰۱۲
مدیر دفتر شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو قم-قربانی

آگهی

شماره دادنامه:۹۵۰۹۹۷۲۵۱۸۴۰۰۲۳۳تاریخ تنظیم:۱۳۹۵/۰۳/۱۹
شماره پرونده:۹۳۰۹۹۸۲۵۰۱۳۰۰۷۹۷شماره بایگانی شعبه:۹۵۰۰۳۸دادنامه پرونده کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۵۰۱۳۰۰۷۹۷دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی دادگاه های کیفری شهرستان قم (۱۰۶ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۵۱۸۴۰۰۲۳۳تجدیدنظرخواه:آقای جواد صادق نژاد فرزند حسین به نشانی شهرستان قم۴۵متری عمارپاسر کوچه۱کوچه شهید خوش نژاد فرعی اول سمت چپ پلاک۲۶تجدیدنظر خوانده:آقای فرشاد عبادی جوکی بیژن فرزند پرویز به نشانی متواری و مجهول المکان-دادستان محترم قم به نشانی دادسرای عمومی و انقلاب قم تجدیدنظر خواسته:ضرب و جرح عمدی گردشکار:به تاریخ ۹۵/۳/۱۸ در وقت فوق العاده جلسه شعبه چهارم دادگاه تجدیدنظر استان قم به تصدی امضاءکنندگان ذیل و با حضور نماینده دادستان محترم دادسرای عمومی و انقلاب قم که اظهار می نماید تقاضای رسیدگی وفق مقررات و صدور رأی مقتضی را خواستارم،تشکیل و پرونده کلاسه۹۵۰۰۳۸ت/۴ از طریق دفتر واصل و تحت نظر قرار گرفت.دادگاه با بررسی اوراق و محتویات پرونده بدوی و تجدیدنظرخواهی و با عنایت به گزارش تهیه شده و قرائت و درج خلاصه آن در پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند سبحان و پس از مشاوره و به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید.رأی دادگاه در خصوص تجدیدنظرخواهی آقای جواد صادق نژاد فرزند حسین نسبت به دادنامه شماره ۹۴۰۹۹۷۲۵۱۱۱۰۱۸۳۸ مورخه ۹۴/۱۱/۲۴ صادر شده از شعبه ۱۱۱ دادگاه کیفری دو قم موضوع پرونده کلاسمان ۹۳۰۹۹۸۲۵۰۱۳۰۰۷۹۷ که به موجب آن در خصوص شکایت آقای جواد صادق نژاد فرزند حسین علیه آقای فرشاد عبادی جودکی بیژن فرزند پرویز دائر به ایراد ضرب عمدی با ماشین موضوع کیفرخواست شماره ۹۴۱۰۴۳۲۵۰۰۲۰۶۰۱۳ صادره از شعبه سوم اظهار نظر دادسرای قم متهم به پرداخت دیه صدمه وارده در حق شاکی محکوم گردیده سپس با ابلاغ دادنامه به تجدیدنظرخواه در فرجه قانونی درخواست تجدیدنظرخواهی فوق به دفتر دادگاه بدوی تسلیم و وفق مقررات بدفتر کل دادگاههای تجدیدنظر استان قم ارسال و جهت رسیدگی به این شعبه ارجاع شده است دادگاه تجدیدنظر با عنایت به مراتب فوق و بررسی و مداقه در پرونده بدوی و شرح درخواست تجدیدنظرخواهی در رابطه با صدمات وارده صرفنظر از صحت و سقم موضوع به لحاظ اینکه میزان دیه متعلقه کمتر از یک دهم دیه کامل می باشد.رأی صادره در این خصوص قطعی بوده تجدیدنظرخواهی غیر قابل طرح تشخیص و به استناد بند ب ماده ۴۲۷ قانون آئین دادرسی کیفری رد می گردد این رأی به استناد ماده ۴۴۳ قانون مارالذکر قطعی است./ب-۹۵/۳/۱۸رئیس شعبه۴دادگاه تجدیدنظر استان قم:محمدصادق شهبازی مستشار دادگاه:محمدمهدی احمدیان رونوشت برابر با اصل اداریست و جهت ابلاغ به فرشاد عبادی جودکی بیژن تهیه و ارسال می گردد.۹۵۰۶۰۱۴
مدیر دفتر شعبه۴دادگاه تجدیدنظر استان قم:توسلی

آگهی

شماره نامه:۹۵۱۰۱۱۲۵۰۶۱۰۰۳۰۴ شماره پرونده:۹۴۰۹۹۸۲۵۰۶۱۰۰۱۸۳
شماره بایگانی شعبه:۹۵۰۱۹۷تاریخ تنظیم:۱۳۹۵/۰۳/۱۱((آگهی ابلاغ وقت تحقیقات بدوی و احضارمتهم))نظر به اینکه در پرونده کلاسه ۹۵۰۱۹۷ شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب قم،آقای احمد دلدار فرزند متهم به فحاشی می باشد حسب اطلاع و گزارش واصله نامبرده مجهول المکان و متواری می باشد.لذا به نامبرده ابلاغ می گردد تا حداکثر ظرف یک ماه پس از نشر این آگهی در این شعبه بازپرسی حضور یابند.بدیهی است در صورت عدم حضور، یا عدم ارسال دفاعیه و یا عدم معرفی وکیل بصورت غیابی اقدام مقتضی معمول خواهد شد.این آگهی در اجرای ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری درج می شود. ۹۵۰۶۰۱۵
بازپرس شعبه یازدهم دادسرای عمومی و انقلاب قم-سیدیوسف مجیدی

آگهی

شماره دادنامه:۹۵۰۹۹۷۲۵۱۰۶۰۰۲۳۸ تاریخ تنظیم:۱۳۹۵/۰۳/۱۸
شماره پرونده:۹۳۰۹۹۸۲۵۰۱۷۰۰۶۶۵شماره بایگانی شعبه:۹۴۱۴۴۷دادنامه پرونده کلاسه ۹۳۰۹۹۸۲۵۰۱۷۰۰۶۶۵ شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی دادگاه های کیفری شهرستان قم (۱۰۶ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۵۱۶۰۰۲۳۸شاکی:دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم با نمایندگی آقای مصطفی ساجدیو آقای اسماعیل اناهید فرزند نادر همگی به نشانی قم صفائیه کوچه۱۷۵ ساختمان ستاد دفتر تبلیغات اسلامی متهم:آقای حیدرعلی حیدریان به نشانی شهرستان قم آذر کوی شهدا نبش کانون فرهنگی شاهد کوچه۱۰ پلاک۳۵ اتهام ها:۱.تخریب(اموال)۲. افتراء،رأی دادگاه در این پرونده آقای حیدرعلی حیدریان فعلاً متواری متهم می باشد به نسبت افترا به سرقت موضوع شکایت آقای اسماعیل آناهید نماینده حقوقی دفتر تبلیغات اسلامی و عدم حضور متهم جهت دفاع از بزه انتسابی و محتویات پرونده دادگاه بزه منتسبه را محرز دانسته متهم مذکور را مستنداً به ماده ۶۹۷، ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی به پرداخت دو میلیون تومان جزای نقدی بدل از حبس به صندوق دولت محکوم می نماید. رأی صادره غیابی است پس از ابلاغ ظرف بیست روز قابل واخواهی در این دادگاه و بعد مدت بیست روز قابل اعتراض در مرجع محترم تجدیدنظر استان قم می باشد.رئیس شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو قم-ولی زاده رونوشت برابر با اصل و اداریست جهت ابلاغ از طریق نشر در روزنامه کثیرالانتشار تهیه و ارسال می گردد.۹۵۰۶۰۲۳
مدیر دفتر شعبه ۱۰۶ دادگاه کیفری دو قم-قربانی

آگهی

شماره دادنامه:۹۵۰۹۹۷۲۵۱۱۰۰۰۳۳۹تاریخ تنظیم:۱۳۹۵/۰۳/۱۷
شماره پرونده:۹۴۰۹۹۸۲۵۰۲۰۰۰۳۰۶شماره بایگانی شعبه:۹۵۰۰۱۱دادنامه پرونده کلاسه ۹۴۰۹۹۸۲۵۰۲۰۰۰۳۰۶شعبه ۱۱۰ دادگاه کیفری دو مجتمع قضایی دادگاه های کیفری شهرستان قم (۱۱۰ جزایی سابق) تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۵۱۱۰۰۰۳۳۹شاکی:آقای مهدی زندی کریمخانی فرزند فتح اله به نشانی شهرستان قم۴۵ مدرس شهرک مهدیه خ بهارستان ۱۳پ۳۵ متهم:آقای داود بوربور فرزندکوچکعلی به نشانی مجهول المکان اتهام:مشارکت در ضرب و جرح عمدی با چاقو رأی دادگاه در خصوص اتهام آقای داود بوربور فرزند کوچکعلی دائر بر ضرب و جرح با چاقو.با توجه به محتویات پرونده و گواهی پزشکی قانونی و اظهارات شهود و سایر قرائن و امارات و کیفرخواست صادره و متواری بودن متهم،دادگاه بزه انتسابی را ثابت تشخیص و به استناد ماده ۴۴۹ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و تبصره ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی نامبرده را به پرداخت هفتاد و هشت هزارم دیه کامل جهت جراحت دامیه و حارصه ساعد و زیر چشم و خونریزی تحت ملتحمه چشم و آسیب شاخه دهان عصب صورتی و پارگی عروق به شاکی و تحمل یکسال حبس و با رعایت ماده ۲۳ همان قانون یکسال اقامت اجباری در ایذ